



حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی دامت برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿تَرْجِي مَنْ تَشَاءُ مِنْهُمْ وَتُؤْوِي إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ وَمَنْ ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ وَلَا يَخْزَنَ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلُّهُنَّ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا (۵۱) لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا (۵۲) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيْرِ نَاظِرِينَ إِنَاءَهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنَسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا (۵۳)﴾

عدم تعارض «النكاح سنتی» با سنت ازدواج انبیای گذشته

بعد از اینکه جریان نکاح را تبیین فرمود و اینکه خصیصه‌ای که وجود مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آورد غیر از اجتماع مذکر و مؤنث است احکام ویژه مسائل ازدواج و خانوادگی و نکاح را ذکر کرد اینکه آن حضرت فرمود: «النکاح سنتی»^۱ منظور این نیست که در بین همه انبیا من این سنت را آوردم بلکه منظور این است که در بین همه مردم، ما انبیا این سنت را آوردیم این برای نبوت عامه است نه نبوت خاصه و هر کدام از این

انبیا(علیهم السلام) که آمدند فرمودند همه آنچه انبیای قبلی گفتند درست است ﴿مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ﴾^۱ خب این ارقام فراوانی که برای سلسله جلیله انبیا هست که بخشی از آنها قصه‌شان در قرآن کریم هست و بخشی هم نیامده که خدا فرمود: ﴿مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ﴾^۲ فرمود قصه بعضی از انبیا را ما گفتیم قصه بعضی از انبیا را نگفتیم آن انبیایی که قصص‌شان در قرآن کریم آمده همه‌اش سخن از ﴿مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ﴾ است یعنی هر پیامبری که آمده فرمود انبیای قبلی درست گفتند تنها اینها هستند که اختلافی بین اینها نیست زیرا هم اینها از يك منبع و مبدأ دریافت می‌کنند هم در تلقی معصوم‌اند هم در ضبط و نگهداری معصوم‌اند هم در ابلاغ و املا معصوم‌اند در سه حوزه، این ذوات مقدس معصوم‌اند خب اگر در سه حوزه معصوم‌اند مبدأ علمی اینها هم ذات اقدس الهی است همه‌شان ﴿مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ﴾ هستند اینکه حضرت فرمود: «النكاح سنّی» یعنی ما سلسله انبیا يك چیز جدیدی آوردیم به عنوان نکاح.

لزوم توجه به ثمره ازدواج

پرسش: با توجه به آنچه دیروز و امروز فرمودید معلوم می‌شود در حقیقت انبیا(علیهم السلام) رهبانیت را نشانه گرفتند.

پاسخ: نه، نه تنها رهبانیت را، ازدواج به معنای جمع مذکر و مؤنث را هم رد کردند؛ هم اصل ازدواج را هم اینکه نکاح باشد حقوق متقابل باشد ﴿قَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ﴾ باشد را آوردند فرمود: ﴿نِسَاؤُكُمْ حَرْثُ لَكُمْ﴾ اما ﴿قَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ﴾^۳ همسر داشتید برای فرزند صالح است اینها در کنار هم ذکر شد فرمود بله اینها مزرعه هستند اما مزرعه را برای چه کاری می‌خواهید شما، شما که نمی‌خواهید بعد از مدتی بیوسید شما می‌خواهید فرزند صالح تربیت کنید نسل بعد تربیت کنید اینکه کنار ﴿نِسَاؤُكُمْ حَرْثُ لَكُمْ﴾ فرمود به فکر آینده باشید این است ما به شما مزرعه دادیم

۱. سوره بقره، آیه ۹۷؛ سوره مائده، آیه ۴۶.

۲. سوره غافر، آیه ۷۸.

۳. سوره بقره، آیه ۲۲۳.

شما این مزرعه دایر را می‌خواهید موات کنید یا بایر کنید این نیست پس ما نکاح آوردیم همه انبیا این کار را کردند هم رهبانیت را امضا نکردیم هم اجتماع مذکر و مؤنث را ما نکاح نمی‌دانیم.

نکاح، معجزه پیامبر در ولنگاری جنسی

پرسش:.... پاسخ: آن هم در بین همه انبیا برای خودش معجزه‌ای بود که توانست با این راه ثابت کند که می‌شود جلوی آن غریزه‌ها را گرفت یعنی برای آنها فضیلتی بود این فضیلت خاصی بود برای آن حضرت چه اینکه فضیلت خاصی بود برای حضرت یحیی (سلام الله علیهما) که ﴿سَيِّدًا وَحَصُورًا﴾^۱ که آموزش دادند جلوی افراط را می‌شود گرفت.

علت عدم نیاز به عده در طلاق بائن

مطلب بعدی آن است که اینکه فرمود: ﴿فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا﴾ که این حقی است برای زوجه آیه ۴۹ این بود ﴿فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا﴾ در طلاق بائن، عده نیست برای اینکه احتمال میلاد در کار نیست احتمال اختلاط میاه در کار نیست آنجا که احتمال است که بعد فرزندی به بار بیاید گفتند باید عده نگه بدارید که حق زوج قبلی محفوظ بماند لذا در طلاق بائن عده نیست برای اینکه جا برای میلاد بعدی نیست.

تبیین دو احتمال در آیه ﴿تَرْجِي مَنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ...﴾

فرمود اینهایی که خودشان را در اثر علاقه به بیت نبوت به شما نزدیک کردند این امرئ‌ای که ﴿وَهَبْتُ نَفْسَهَا﴾ اگر خواستید بپذیرید آزادید، نخواستید بپذیرید آزادید برخی‌ها نقل کردند که حضرت چیزی را قبول کرده برخی‌ها گفتند نه، اصلاً در بین این افرادی که ﴿وَهَبْتُ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ﴾ مثلاً کسی را قبول نکرده؛ فرمود اگر بپذیری رواست نپذیری رواست این برای شما، آنها هم چه پیشنهادشان را قبول بکنی چه پیشنهاد آنها را قبول نکنی آنها هم راضی باشند به فعل شما برای آنها مصلحت است این در صورتی که این ﴿تَرْجِي مَنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَتُؤْوِي إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ﴾

۱. سوره آل عمران، آیه ۳۹.

ناظر باشد به امرئ‌ای که ﴿وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ﴾ اما اگر راجع باشد به تقسیم بین همسرهای متعدد، آن هم فرمود وجود مبارك پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) يك مرد عادی نیست او گاهی شب گاهی روز مهبط وحی است باید او وقتش آزاد باشد او را محدود نکنید مثل شوهرهای دیگر که حتماً به قوانین مضاجعه و قسم و تقسیم بین همسرها مقید باشد و محدود باشد کاری که آن حضرت می‌کند يك وقت در مهبط وحی است شما از تأخیر یا تقدیم گله نداشته باشید این در صورتی که مربوط به قسم باشد.

اختلافی بودن بازگشت آیه ﴿تُرْجَىٰ مَنْ تَشَاءُ...﴾ به احتمال اول یا دوم

مستحضرید که طبری از چند نفر نقل می‌کند مسنداً، بعد مرحوم شیخ طوسی می‌گوید ابن‌زید این‌طور گفته مجاهد این‌طور گفته قتاده این‌طور گفته مرسلأ، بعد مرحوم امین‌الاسلام در مجمع‌البیان دارد که قیل کذا، دیگر نمی‌گوید چه کسی است در این زمینه روایت‌های مشخصی نیست که مشخص کند این ﴿تُرْجَىٰ مَنْ تَشَاءُ﴾ راجع به مسئله ﴿وَأَمْرًا مُّؤَمَّنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ﴾^۱ است یا مربوط به تقسیم شب‌های این همسران، هر کدام باشد درست است سیدنا‌الاستاد می‌فرماید طبق روایاتی که مثلاً وارد شده است منظور قسم داخلی است یا منظور ارجاء است^۲ اینکه در خیلی از موارد وقتی آیه روشنی نباشد به كمك روایت بخواهند حل کنند المیزان همین کار را کرده در همین‌جا پشت سر هم يك جا برابر آنچه در روایت آمده ترجیح می‌دهد باز در قسمت دیگر راجع به مطلب دیگر می‌فرماید: «فی بعض الروایات عن بعض ائمة اهل البيت (عليهم السلام) «كذا»^۳ در بحث تفسیری نه بحث روایی که آیه را به وسیله روایت حل می‌کند آنجا که آیه معنای شفاف دارد روایت می‌تواند مخصّص، مقید و مانند آن باشد.

۱. سورة احزاب، آیه ۵۰.

۲. المیزان، ج ۱۶، ص ۳۳۵ و ۳۳۶.

۳. المیزان، ج ۱۶، ص ۳۳۶.

عدم حرج بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در پذیرش هر يك از دو احتمال

فرمود: ﴿وَمَنْ ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ﴾ اگر بعضی‌ها را قبول کردی بعضی‌ها را رد کردی این درباره
﴿امْرَأَةٍ مُّؤْمِنَةٍ إِنْ وَهَبْتَ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ﴾ یا نه، در تقسیم در مضاجعه بعضی‌ها را مقدم داشتی بعضی‌ها را مؤخر داشتی
ارجاء به معنای تأخیر است در سوره مبارکه «توبه» آیه ۱۰۶ گذشت که ﴿وَأَخْرُونَ مُرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ
وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ﴾ ارجیء یعنی آخر، اینکه درباریان فرعون وقتی موسی (سلام الله علیه) آن معجزه را نشان داد به
فرعون گفتند: ﴿أَرْجِهْ وَأَخَاهُ﴾^۱ یعنی موسی و برادرش را فعلاً تأخیر بینداز درباره آنها تصمیم نگیر ساحران را از
هر شهر و دیاری دعوت بکن تا مبارزه اینها ادامه پیدا کند از همین باب است منتها هاء وقف آنجا آمده اینجا دارد
﴿وَأَخْرُونَ مُرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ﴾ ارجاء یعنی تأخیر؛ بعضی‌ها وضعشان روشن نیست در قیامت تکلیفشان روشن
می‌شود که ﴿إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ﴾ ارجاء به معنای تأخیر است ﴿وَتُؤْوَى إِلَيْكَ مَن تَشَاءُ﴾ ایواء دادن یعنی
ماوی دادن، نه برای شما حرج و جناح است نه برای آنهاست که اعتراض کنند پس ﴿فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ﴾ این نسبت
به شما.

لزوم رضایت زنان دوستدار ازدواج با اختیار پیامبر

نسبت به بانوان هم ﴿ذَلِكَ أَذَىٰ أَنْ تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ﴾ آنها هم به قرّة‌العين برسند چشمشان به این گزارش و حکم
شرعی روشن بشود ﴿وَلَا يَحْزَنَنَّ﴾ غمگین نشوند ﴿وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْنَهُنَّ كُلُّهُنَّ﴾ این ﴿كُلُّهُنَّ﴾ چون تأکید لفظی است
برای فاعل ﴿يَحْزَنَنَّ﴾ و ﴿يَرْضَيْنَ﴾ لذا مرفوع است «و لا یحزن کلهن و یرضین کلهن» چون این تأکید برای آن
فاعل‌هاست مرفوع شده نه تأکید برای این مفعول ﴿بِمَا آتَيْنَهُنَّ﴾، فرمود هم جناحی بر شما نیست هم آنها به کار
شما راضی باشند برایشان بهتر است برای اینکه ﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا﴾ هم حکمت نزد
خداست هم حلم و بردباری نزد خداست این دستورش بود.

۱. سوره اعراف، آیه ۱۱۱؛ سوره شعراء، آیه ۳۶.

محدودیت پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) در تغییر یا تبدیل همسران بعد از انتخاب

بعد فرمود از این به بعد نه همسر دیگر می‌توانی اختیار کنی و نه این همسرها را تبدیل بکنی حالا به اینها شما پیشنهاد دادید عده‌ای علاقه‌مند به مسائل مادی بودند شما به اینها طبق دستور وحی فرمودی هر کدام شما مایل هستید که دنیا را بخواهید خب ما را ترك کنید ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحاً جَمِيلاً * وَإِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالذَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْراً عَظِيماً﴾^۱ شما این پیشنهاد را دادید آنها هم قبول کردند حالا که آخرت و خدا و معنویت را قبول کردند و حاضر شدند با زندگی ساده شما بسازند شما نه همسر دیگر می‌توانی اختیار کنی نه اینها را می‌توانی تبدیل کنی این دو کار از این به بعد ممنوع است ﴿لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ﴾ در این ﴿تَبَدَّلَ﴾ یکی از «تاء»ها حذف شده یعنی «تبدل»، این «تبدل» معنای «تستبدل» را می‌رساند «و لا أن تبدل» که در قرآن ﴿تَبَدَّلَ﴾ است که يك تاء حذف شده ﴿و لا أن تبدل﴾ یعنی «تبدل» یعنی «تستبدل» ﴿و لا أن تبدل بهن من أزواج﴾ است که يك تاء حذف شده ﴿و لا أن تبدل بهن من أزواج﴾ اینها را طلاق بدهی همسر دیگر بگیری.

مستحضرید که هم زن را می‌گویند زوج هم مرد را می‌گویند زوج، زوجه لغت فصیح نیست لذا در قرآن از زن به عنوان زوجه یاد نکرده است زوجات هم در قرآن کریم نیامده درباره حوریان بهشتی هم سخن از ازواج است^۲ اینها هم سخن از ازواج است زوج یعنی یکی از اینها که با دیگری جمع بشود می‌شود زوج، دوتا را می‌گویند زوجین يك وقت ما می‌گوییم زوج یعنی يك جفت، يك وقت می‌گوییم زوج یعنی کسی که همتای دیگری است لذا هم شوهر، زوج است هم همسرش زوج است اینها می‌شوند زوجین. فرمود: ﴿و لا أن تبدل بهن من أزواج ولو أعجبك حسنهن﴾ حالا بر فرض هم برای شما تعریف کردند که از جمال و زیبایی برخوردار است دیگر حق نداری آنها را انتخاب بکنی.

۱. سوره احزاب، آیات ۲۸ و ۲۹.

۲. سوره بقره، آیه ۲۵؛ سوره آل عمران، آیه ۱۵؛ سوره نساء، آیه ۵۷.

﴿إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ﴾ حالا ﴿إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ﴾ هم قبلاً در آن آیه پنجاه فرمود: ﴿مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ﴾ خب

آنهايي که در جبهه‌های جنگ کنیز می‌شوند اسیر می‌شوند آن حکم دیگری دارد.

تنزه قلب مطهر پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) در تعدد ازدواج از دوستی غیر خدا

پرسش:.... پاسخ: بله، غرض این است که ذات مقدس پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) قلبش متیّم به حبّ الهی بود بسیاری از اینها هم مربوط به آن مسائل سیاسی بود که حضرت انتخاب کرده حضرت طوری بود که خیلی‌ها می‌خواستند به بیت نبوّت نزدیک بشوند در خدمت آن حضرت باشند و وجود مبارک حضرت امیر که آن عبادت‌ها را داشت می‌گوید تازه این عبادت‌های ما از برکت حضرت رسول(صلی الله علیه و آله و سلم) استفاده شده این علاقه‌مند بودن درباره وحی الهی، مهبط وحی الهی، نزول جبرائیل نمی‌شود وقت آن حضرت را مانند شوهرهای دیگر تنظیم کرد که مثلاً اگر چندتا همسر دارند در شب‌های معین در فلان منزل باشند حضرت منزّه از این کارهاست هیچ کدام از اینها قلب مطهر حضرت را به خودش مشغول نمی‌کرد این قلبی که متیّم به حبّ خداست اگر ابزاری هم دارد ابزار برای نشر همین معارف دین است ازدواج‌هایی هم که کرده برای حفظ مسائل قبایل دینی و وحدت اسلامی بود.

عدم تنافی محبت به همسران با تنزه قلب پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم)

پرسش:.... پاسخ: بله، این برای آن است که آن خصوصیت‌های جاهلی را بردارد برای اینکه این را در ردیف عبادت ذکر کرده فرمود از دنیای شما استفاده کردم «حَبَّبَ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثَ» که یکی طیب است یکی نساء است «و قرّة عینی فی الصلاة»^۱ معلوم می‌شود صیغه عبادی دارند.

تنزه پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) از سنت جاهلی تبدیل همسر به همسر

شما همین ﴿تَبَدَّلَ﴾ که الآن ما آن را عالماً عامداً ذکر نکردیم برای اینکه کاری که اخیراً در غرب شروع شده بود و در جاهلیت ادامه داشت بعضی ها خیال کردند که این ﴿تَبَدَّلَ﴾ ناظر به آن است^۱ اصلاً تبدیل همسر به همسر در جاهلیت يك چیز رسمی بود اینها خیال می کردند همان طوری که ظرف ها را گاهی مبادله می کنند کالاهای را مبادله می کنند زن هم يك کالا است می شود مبادله کرد لذا برخی ها همین ﴿تَبَدَّلَ﴾ را به آن معنا گفتند که شما نمی توانی همسرت را به دیگری بدهی و همسر دیگری را بگیری که این در جاهلیت بود چه در جاهلیت کهنه چه در جاهلیت تازه، این معنا را گرچه برخی از مفسران نقل کردند ولی در حرم امن وجود مبارك حضرت این حرف ها راه ندارد فرمود این کار را نمی شود کرد در این قسمت ها فرمود جا برای تبدیل نیست.

معنای مراقب بودن در ﴿كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا﴾

﴿وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا﴾ خدای سبحان مراقب همه چیز است اصلاً اطلاق رقیب بر ذات اقدس الهی بر اساس اینکه الفاظ برای ارواح معانی یا مفاهیم عامه وضع شده است رواست وگرنه رقیب به کسی می گویند که رقبه بکشد یعنی گردن بکشد اینکه می گویند ما سرکشی کردیم برای همین است در این امتحانات این مراقب، سرکشی می کند ببیند کسی درست می نویسد یا درست نمی نویسد یا نیازی دارد یا نه، این سرکشی کردن، رقبه کشیدن را می گویند مراقبت که انسان باید نسبت به خودش این سرکشی را داشته باشد مراقب خودش باشد خدای سبحان رقیب است مراقب است یعنی محافظ است چیزی از او فوت نمی شود هم محیط بکل شیء است^۲ هم بعد از علم ﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا﴾^۳ در این بخش از سوره مبارکه «احزاب»

۱. جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۲، ص ۲۳.

۲. سوره فصلت، آیه ۵۴.

۳. سوره مریم، آیه ۶۴.

وضع امور خانوادگی را مشخص فرمود، وضع برنامه ارتباطات با پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را مشخص کرد در بین اعراب این طور بود الآن هم در بین افراد هم کم و بیش این هست.

سرّ اختیار داشتن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در دو احتمال آیه ﴿تَرْجِي مَنْ تَشَاءُ مِنْهُمْ...﴾ پرسش:.... پاسخ: بله، هر کدام از اینها را فرمود قبول کردید برای اینکه آن ﴿امْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ﴾ اینها خودشان را عرضه کردند که به بیت نبوت نزدیک بشوند فرمود اگر خواستی قبول بکنی می توانی، اگر نخواستی قبول بکنی هم می توانی نه بر شما حرج و جناح است نه آنها می توانند غمگین باشند آنها اگر راضی باشند به کار شما برای آنها بهتر است و شما هم فرصت باز دارید ضرورتی بر شما نیست در صورتی که مربوط به ﴿امْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ﴾ باشد اما اگر مربوط به قَسَم و حقّ مضاجعه باشد آن هم همین طور است شما مثل مردهای دیگر نیستی که الاّ ولابد وقتی دارای همسران متعدّد هستند حتماً فلان شب باید در فلان منزل باشند خب شبی است که مهبط وحی باید باشی آنجا وحی می آید کار جدیدی است یا مسئله جنگ است یا مسئله تصمیم گیری در اتاق فکری نظامی است شما هم مثل مردهای دیگر موظّف باشی که کارها را تقسیم بکنی این طور نیست شما دست بازتری داری فرصت بیشتری داری.

لزوم استیذان برای ملاقات با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و فرهنگ سازی آن ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرِ نَاطِرِينَ إِنَّا﴾ این اختصاصی به جاهلیّت کهنه ندارد جاهلیّت تازه هم هست این سه دستور رسمی را در این آیه ذکر کرده فرمود اولاً وجود مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که رهبری امت و جامعه را به عهده دارد باید وقتش آزاد باشد در اختیار خودش باشد شما هر وقت دلتان خواست در بنزید بروید آنجا این نیست باید قبلاً وقت ملاقات بگیرید بعد بروید لذا انس بن مالک آنجا دربان حضرت بود حاجب بود کسی که وقت ملاقات قبلی داشت اجازه می داد کسی که وقت

ملاقات قبلی نداشت می گفت فعلاً معذوریم، فرمود هیچ کدامتان بدون وقت ملاقات قبلی نروید این يك امر عمومی است اختصاصی هم به محضر پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ندارد در سوره مبارکه «نور» این مسئله گذشت يك وقت ارحام آدم است برادر است خواهر است خب اینها می توانند بیایند اما يك وقت انسان وارد منزل کسی می خواهد بشود اگر وقت ملاقات قبلی نگرفت و رفت دم در گفتند فعلاً فرصت نیست این نباید نگران بشود برای اینکه نظم دینی این است که آدم خانه کسی می خواهد بگیرد باید وقت قبلی بگیرد.

توصیه های قرآن به بازسازی اخلاقی فردی و اجتماعی در ملاقات با دیگران

در سوره مبارکه «نور» این آیه مبسوطاً گذشت آیه ۲۸ فرمود: ﴿وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ﴾ اگر خدا فرمود که قرآن کریم برای تعلیم است از يك سو و تزکیه جامعه است از سوی دیگر ﴿يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ﴾^۱ تزکیه تنها در مسائل اخلاق فردی نیست در رعایت آداب اجتماعی و نظم عمومی هم است فرمود اگر شما خانه کسی خواستید بروید وقت قبلی هم نگرفتید آن آقا یا با دیگری ملاقات داشت یا دارد مطالعه می کند یا دارد کار دیگری انجام می دهد به شما گفت الآن فرصت ندارم شما دیگر نرنج، ازکا بودن شما در این است که برگردید ﴿وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ﴾ شما همین طور سرزده می خواهید در خانه مردم بروید در حسینیه ای در مسجدی کسی مسئول سخنرانی است آن حسینیه آن مسجد ظرفیتی دارد يك عده قبلاً وقت می گیرند شما که قبلاً وقت نگرفتی اگر رفتید آنجا گفتند جا نیست برگردید، برگردید مگر نمی خواهید با نظم زندگی کنید با گِلِه که نمی شود زندگی کرد این در سوره مبارکه «نور» به صورت رسمی گذشت که اگر دین، دین تزکیه است تزکیه تنها در عبادت نیست در آداب اجتماعی است در رعایت اخلاق عمومی است در رعایت نظم است ﴿وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ﴾ این مربوط به عموم مردم.

بررسی شرایط ملاقات با پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) و تطبیق آن بر مجلس علما

اما درباره منزل شخص پیغمبر(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود شما هر وقت خواستید بروید آنجا این چنین نیست اولین شرطش این است که بدون دعوت نروید (يك) دوم اینکه اگر شما را دعوت کردند برای غذا قبل از آماده شدن غذا بروید آنجا بنشینید این هم وقت حضرت را تلف می‌کنید (دو) سوم: وقتی که رفتید آنجا نشستید حرف‌های عادی بزنید با یکدیگر گفتگو کنید حرف‌هایی که غیر علمی است بزنید یا ساکت، یا سؤال خوب، وقتی رفتید جایی نشستید که دهن را باز نمی‌کنی هر حرفی را بزنی مجلس پیغمبر، مجلس علم است بروید آنجا بنشینید بگویید من امروز فلان جا این قدر معطل شدم! حرف‌های غیر علمی جز خسارت چیز دیگر نیست انسان یا حرف عالمانه می‌زند یا گوش است که حرف عالمانه بشنود فرمود آنجا نشستید دهنتان را باز نکنید هر حرفی را بزنید یا سؤالات علمی قبلاً تهیه کنید آنجا از حضرت پرسید یا گوش بدهید ببینید حضرت چه می‌گوید این سه وظیفه، دستور برای شماست وقتی می‌خواهید به منزل پیغمبر بروید در خانه مراجع هم می‌روید همین‌طور است در خانه اساتیدتان هم می‌روید همین‌طور است برای اینکه اینها وارثان آنها هستند فرمود حق ندارید بدون دعوت بروید (يك) وقتی هم که دعوت شدید زودتر از موقع مقرر بروید منتظر باشید چه وقت سفره را پهن می‌شود این نباشد (دو) آنجا هم که رفتید سرتاپا علم باشید (سه) با جای دیگر فرق می‌کند این سه وظیفه را باید داشته باشید ﴿لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ﴾ مگر اینکه این سه اصل را داشته باشید ﴿إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ﴾ (يك) ﴿إِلَى طَعَامٍ﴾ شما را دعوت عمومی کردند برای پذیرایی یا افطاری می‌روید ﴿غَيْرِ نَاطِرِينَ إِيَّاهُ﴾ اُنی یا اُنی یعنی پُخت، رسید، يك وقت است انسان زودتر از موقع می‌رسد غذا هنوز آماده نیست فرمود این کار را نکنید منتظر باشید که غذا چه وقت آماده می‌شود وقت حضرت را تلف می‌کنید منتظر نباشید زود نروید زودتر از موقع نروید که غذا چه وقت آماده می‌شود چه وقت پخته می‌شود چه وقت غذا را می‌آورند (دو) ﴿وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا﴾ وقتی غذایتان را میل کردید آنجا بنشینید حالا آن مدتی هم که آنجا نشستید حرف‌های غیر عالمانه نزنید ﴿وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ﴾

لِحَدِيثٍ ﴿ در راه خودتان که بودید از این حرف‌ها بزنید ولی در مجلس يك عالم که آدم حرف‌های عادی نمی‌زند اگر رفتید خانه يك مرجع، خانه يك استاد گوش در گوش باشید یا سؤال علمی را قبلاً تهیه کنید یا ببینید او چه می‌گوید ﴿وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ﴾.

نوبرانه بودن توصیه‌های تزکیه اجتماعی قرآن در جامعه

می‌دانید اینها جزء مسائل ظریفی است که وحی دارد اینها را تأمین می‌کند خب آن روز که این حرف‌ها نوبر بود الان هم کم و بیش می‌بینید این حرف‌ها تازه است فرمود آنجا مجلس علم است و وحی است و تعلیم است و تزکیه است و ادب، همین‌طور بروید بنشینید جای آدم عادی نیست ﴿وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ﴾ بسیاری از این گله‌های ما برای اینکه با آداب دینی آشنا نیستیم خب اگر ما رفتیم جایی آن آقا کار داشت گفت ببخشید آن وقت گله ما از این به بعد نباید شروع بشود چون ما پذیرفتیم قرآن، وحی خداست پذیرفتیم آن، برای تزکیه است پذیرفتیم خدا به ما فرمود: ﴿وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ اَرْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ اَزْكٰى لَكُمْ﴾ چه گله‌ای دارید شما که وقت قبلی نگرفتید اینجا هم فرمود: ﴿وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ اِنَّ ذٰلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ﴾ او که نمی‌تواند به شما بگوید این حرف‌ها چیست که اینجا می‌زنید ولی بالأخره اذیت می‌شود روح لطیف يك محقق از شنیدن حرف‌های غیرعالمانه رنج می‌برد چرا آزارش می‌کنید ﴿اِنَّ ذٰلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ﴾ آن وقت او که خجالت می‌کشد چیزی بگوید او که چیزی نمی‌گوید من با وحی با نازل کردن آیات این مسائل اخلاقی را با شما در میان می‌گذارم آداب اجتماعی را، نظم عمومی را ﴿كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ﴾ اما ﴿وَاللّٰهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ﴾ این برای خود پیغمبر است.

ضرورت رعایت ادب دینی در مواجهه با همسران پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم)

اگر رفتید آنجا کاری داشتید مطلبی را خواستید به یکی از همسران پیامبر برسانید ادب آن بیت نبوت را حفظ کنید ﴿وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَآءِ حِجَابٍ﴾ این‌طور نباشد که حالا پرده را کنار بزنید در را حتماً باز

کنید گفتگو کنید سؤالی دارید ﴿مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ﴾ باشد این بیت، بیت وحی و نبوت است هم در آن قسمت فرمود که ﴿فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ﴾ هم در این قسمت می‌فرماید: ﴿ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ﴾.

نتیجه بخشی امر قرآن به استفاده علمی از مجالس پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در قیامت

مشکل ما این است که این علوم که در فضای جامعه ما رایج است علوم تجربی است (يك) کارهایی هم که ما در روز داریم کارهای تجربی است (دو) با علم تجربی و با عمل تجربی آن علوم تجریدی برای ما حاصل نمی‌شود ما به جایی می‌رویم که این علوم تجربی دیگر آنجا نیست نه این کارهای روزانه ما بعد از مرگ خبری از آنهاست نه این علوم تجربی که ما داریم بعد از مرگ خبری از آنهاست ما يك سلسله معارف تجریدی می‌خواهیم آنچه مربوط به ملکوت است فرمود هر چیزی ملکوتی دارد به وجود مبارك ابراهیم خلیل (علیه و علی آله آلاف التحية و الثناء) ملکوت آسمان‌ها و زمین را خدا نشان داد فرمود: ﴿وَكَذَلِكَ نُرِي﴾ این فعل مضارع که مفید استمرار است نشانه آن است که این ارائه، مستمر بود ﴿وَكَذَلِكَ نُرِي اِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضِ﴾^۲ به ما هم در سوره مبارکه «اعراف» فرمود شما در ملکوت آسمان و زمین نگاه کنید ﴿اَوْ لَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضِ﴾^۳ بعد هم به ما فرمود هر چیزی ملکوتی دارد ﴿فَسُبْحَانَ الَّذِي يَبْدِئُ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ﴾^۴ ملکوت هر چیزی به دست خدای سبحان است اگر ما اینها را ببینیم کم و بیش برای بعد از مرگ ذخیره‌ای داریم، نشد، ﴿تَبَارَكَ الَّذِي يَبْدِئُ الْمُلْكُ﴾^۵ است این مُلْك، مشکلات دنیا را حل می‌کند اما بعد از مرگ دستمان خالی است آنجا چه خبر است و ابدیت ما هم با آنها تأمین می‌شود لذا فرمودند عده‌ای در برزخ همین‌طور رها هستند «يلهي عنهم»^۶ اصلاً معلوم نیست خواب‌اند بیدارند در چه حالت‌اند خب حیف است انسان به جایی برسد که اصلاً خواب محض باشد همان‌طوری که در دنیا

۲. سوره انعام، آیه ۷۵.

۳. سوره اعراف، آیه ۱۸۵.

۴. سوره یس، آیه ۸۳.

۵. سوره ملك، آیه ۱.

۶. المسائل السروية (شيخ مفيد)، ص ۶۳.

خواب است آنجا هم خواب باشد فرمود شما وقتی آنجا رفتید سعی کنید سؤالات علمی داشته باشید این سؤالات علمی را محضر حضرت مطرح کنید گاهی با سؤالات علمی، آیه‌ای نازل می‌شد برکاتی نازل می‌شد که خیلی‌ها استفاده می‌کردند.

چگونگی ارتباط متقابل مردم و همسران پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم)

درباره همسران پیغمبر(علیه و علی آله آلاف التحية والثناء) فرمود بیت نبوت را شما حفظ کنید، بالأخره اینها که معصومه نیستند شما هم که معصوم نیستید بهتر است که شما ﴿مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ﴾ سؤال بکنید آنها هم ﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ﴾^۷ را رعایت کنند ﴿ذَلِكَ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ﴾.

پیشگیری از اهانت مخالفان با پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) با ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ﴾

برخی از مخالفان و منافقان و امثال ذلك، اینها به این فکر بودند که به بیت نبوت اهانت کنند و راه اهانتشان هم به زعم باطلشان این بود که اگر حضرت مثلاً رحلت کرد با همسران او ازدواج بکنند که این يك نحو دهن کجی به بیت نبوت است این را هم ذات اقدس الهی در دو آیه نهی کرده یکی اینکه فرمود: ﴿وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ﴾^۸ اینها مادران شما هستند در سوره «نساء» هم فرمود: ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ﴾^۹ این حاکم بر آن ادله است به توسعه موضوع، فرمود مادرهای شما بر شما حرام‌اند اینها هم مادرهای شما هستند که این ﴿وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ﴾ حاکم بر دلیل ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ﴾ است به توسعه موضوع، اینجا هم فرمود: ﴿وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا﴾.

۷. سوره احزاب، آیه ۳۲.

۸. سوره احزاب، آیه ۶.

۹. سوره نساء، آیه ۲۳.

«و الحمد لله ربّ العالمين»